**معرفی یک خانواده مسجدی ـ خانواده امام علی(ع)ـ با‌ تمركز بر نقش والدین و کودکان**

رضا اخوی (دانش آموخته سطوح عالی حوزه)

برای به باور نشستن یک حقیقت، پرده‌برداری از نمونه عینی و مصداق عملی آن بهترین راهکار است. در نوشته حاضر یک خانواده اهل مسجد را با بیان یک مصداق روشن پی‌می‌گیریم؛ مصداقی که مورد تأیید خدا و حضرت رسول(ص) بودند و برای همیشه تاریخ زنده و پویا خواهند ماند.

**مراوده دائمی‌ با مسجد**

از مشخصه­های روشن یک خانواده اهل مسجد، رفت و آمد و حضو پررنگ در مسجد است. همان‌گونه که خانوده امیرالمؤمنین(علیه السلام) این‌گونه بودند و مراوده‌ای دائمی با مسجد داشتند، تا آنجا که پس از ازدواج حضرت علی(علیه السلام) با حضرت زهرا(سلام الله علیها)، وقتی رسول خدا(صلى اللّه علیه وآله) به بستن درهایى که به مسجد باز مى‌شد امر فرمود، به طور ویژه درِ خانه على را به حال خود واگذاشت. در خانه حضرت همیشه به مسجد باز مى‌شد و راهي به بيرون جز از طريق مسجد نداشت.[[1]](#footnote-1)

اگرچه این حکم ویژه امیر مؤمنان(ع) بود، ولی از آن ضرورت و لزوم مراوده دائمی با مسجد را می‌توان به خوبی درک نمود.

**ایجاد جرقه­های انس کودکان با مسجد**

فرزندان آن حضرت نیز از همان دوران کودکی در تماس مداوم با مسجد بودند و معارف الهی در جان مبارکشان می­نشست و انس علاقه­شان به مسجد روزافزون می­گشت. نقل شده است امام حسن((عليه السلام)) علاقه فراوانی به مسجد و شنيدن وحي از رسول گرامي اسلام(ص) داشت. هنگامي كه پيامبر گرامي اسلام‌(ص) به مسجد مي‌رفت و آيات الهي را براي مردم مي‌خواند، او با اشتياق تمام آنها را حفظ مي‌نمود و زودتر از پدر بزرگوارش امام علي((عليه السلام)) به خانه مي‌آمد و آنها را براي مادرش حضرت صدّيقه(عليهاالسلام) تلاوت مي‌نمود. هر زمان امير‌مؤمنان((عليه السلام)) به خانه مي‌آمد، مشاهده مي‌كرد كه زهراي مرضيّه(عليهاالسلام) از آيات تلاوت شده در مسجد مطلع است. علت آن را از همسرش جويا شد. معلوم شد كه امام حسن((عليه السلام)) آنها را براي مادرش تلاوت نموده است.

حضرت در يكي از روزها تصميم گرفت خود را از مقابل ديدگان امام مجتبي(عليه السلام) پنهان كند، تا چگونگي تلاوت آن حضرت را بشنود. امام حسن مجتبي(عليه السلام) طبق معمول مي‌خواست آيات را بخواند امّا اضطراب و لكنت زبان بر آن حضرت عارض گشت. فاطمه زهرا (عليهاالسلام) متعجب شد و علت آن را پرسيد. فرزندش پاسخ داد: «يا امّاه قلّ بياني و كلّ لساني لَعلّ سيّدا يَرعاني؛ اي مادر! بيانم ناتوان شد و زبانم را لكنت گرفته است. مثل اين كه آقايي مرا زير نظر گرفته است». در اين زمان امام علي(عليه السلام) ظاهر شد و او را بوسيد.[[2]](#footnote-2)

این نکته وظیفه والدین نسبت به همراه ساختن فرزندان با خود در مسجد و ایجاد جرقه‌های اولیه انس با مسجد را بیش از پیش روشن می­سازد.

**آشنایی با آموزه­های ناب**

کودک تربیت یافته در چنین فضایی، با آموزه‌های ناب اخلاقی، اجتماعی و حتی سیاسی آشنا شده، برای همیشه نصب العین فردای زندگی خود قرار خواهد داد.

حسن(ع) و حسين(ع) بيمار شدند. پيامبر(ص) با جمعي از ياران به عيادت­شان رفتند و به علي(عليه السلام) گفتند: «اي ابوالحسن! خوب بود، نذري براي شفاي فرزندان خود مي‌كردي».

علي(عليه‌ السلام)، فاطمه(س) و فضه، نذر كردند اگر آن دو شفا يابند، سه روز، روزه بگيرند. (طبق برخي از روايات، حسن و حسين(ع)نيز گفتند: «ما هم نذر مي‌كنيم و روزه مي‌گيريم»). چيزي نگذشت كه هر دو، شفا يافتند در حالي كه از نظر مواد غذايي، دست خالي بودند. علي(عليه السلام) سه من جو قرض كرد و فاطمه(س) يك سوم آن را آرد كرد و نان پخت.

هنگام افطار، سائلي به در خانه آمد و گفت: «سلام بر شما اي خاندان محمد! مستمندي از مستمندان مسلمانان هستم، غذايي به من دهيد! ايزد، به شما، از غذاهاي بهشتي مرحمت كند!».

آنان، مسكين را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب ننوشيدند.

روز دوم را نيز روزه گرفتند و موقع افطار، يتيمي نداي كمك سر داد و باز آنان، غذاي خود را به او دادند.

در سومين روز روزه، اسيري از غذاي آنان طلب كرد و باز آنان، ايثار كرده، غذاي خويش بدو بخشيدند و خود با آب افطار كردند.

صبح فردا حضرت علي(ع)، دست حسن(ع) و حسين(ع) را گرفته، خدمت رسول الله آمدند و هنگامي ‌كه پيامبر(ص)، عزيزان خود را نظاره كرد، ديد از شدت گرسنگي مي‌لرزند! فرمود: «اين حالي كه در شما مي‌بينم، براي من بسيار گران است!». سپس برخاست و با آنان بر خانه فاطمه(س) وارد شده، ديد، دختر عزيزش، در محراب عبادت ايستاده است، در حالي كه از شدت گرسنگي شكم او به پشت چسبيده و چشمان­اش به گودي نشسته است.

اندوه، وجود رسول الله(ص) را فرا گرفت و در حالي كه غبار غم بر قلب مبارك آن حضرت نشسته بود، جبرئيل نازل شد و گفت: «اي محمد: اين سوره را بگير! ايزد، با چنين خانداني، به تو تهنيت مي‌گويد». آنگاه جبرئيل، سوره­ هل اتي و هجده آيه مربوط به ايثار علي، فاطمه، حسن، حسين(عليهم السلام) را نازل كرد که در آيات 5 و 8 و 9 می­خوانیم: «ان الابرار يشربون من كاس كان مزاجها كافورا ... ويطعمون الطعام علي حبه مسكينا ويتيما واسيرا انما نطعمكم لوجه الله لا نريد منكم جزاء ولا شكورا؛ نيكان از جامي مي­نوشند كه با عطر خوش، آميخته است... [آنان] غذاي ـ خود را ـ با اينكه به آن علاقه و نياز-دارند، به مسكين و يتيم و اسير مي­دهند و مي­گويند: ما، شما را براي رضاي الهي، طعام مي‌دهيم و هيچ پاداش و تشكري از شما نمي­خواهيم».[[3]](#footnote-3)

همین فرزندان پرورش یافته در چنین خانواده‌ای بودند که بعدها پس از غصب خلافت به دفاع از حق و حقیقت پرداختند.

**یک حدیث**

این بحث را سخنی از امام علي(عليه السلام)، درباره فواید حضور و ارتباط داشتن با مسجد و اهل مسجد به پایان می‌بریم. حضرت فرمودند: «كسي كه به مسجد رفت و آمد مي‌كند، يكي از منافع هشتگانه نصيب او مي‌شود: برادري مفيد و با ارزش در راه خدا، علم و دانش تازه، دليل و برهان محكم [براي تثبيت عقايد]، كلماتي كه موجب هدايت شود [مي‌شنود]، رحمت مورد انتظاري [شامل حال او مي‌شود]، مواعظي كه او را از فساد و گناه باز دارد [مي‌شنود]، به دليل ترس يا حيا و آبروي خود گناهي را ترك مي­كند».[[4]](#footnote-4)

1. . مسند احمد،ج۱ ،ص۲۸۵، صحیح تِرمذى، ج۵، ص۴۱۰. [↑](#footnote-ref-1)
2. . بحار الانوار، ج 43، ص 338. [↑](#footnote-ref-2)
3. . نك: تفسير طبري، فخر رازي و جامع الاصول ابن اثير. [↑](#footnote-ref-3)
4. . وسايل الشيعه، ج 3، ص 480 . [↑](#footnote-ref-4)